

**ششم** از حدیث نفس آن است که سالک و غیره در  
در امری از امور نفس او بغایت راعب باشد در آن  
حالت که استیاق و تعطش بر دل او غالب گردد و  
مصوره آن شوق و استیاق او را در صورتی خوب  
که مناسب آن باشد در عالم مثال مقید در پرده  
خیال جلوه دهد و ابنای چنین واقعات را بغایت  
معتبر فطن باید که از حدیث نفس را از بیان واقع  
فوق کند **قسم هفتم** که معنوی و حدیث نفس بهم  
متخرج است آنست که سالک گاه باشد که ترک تعلقات  
جسمانی و تنوعات بهیمی کرده و از آن جهت  
آینه دل او بقدر نفی خواطر صفایی یافته باشد و از

عالم معنی در دل وی بقدر صفا از آن معانی عکس انداخته  
و بواسطه بقیه اخلاق ذمیمه و اوصاف بهیمه اثر درین  
با آن ضم بنده و اسم المصور که درت قوای مصوره  
است این اقتضا کند که قوه مصوره آن معنی متخرج را  
در پرده خیال نمایند که دهد و ابنای چنین واقعات را  
بغایت معبر کامل باید که حدیث نفس را از معنی  
مجزیه فوق کند **قسم هشتم** اصغاف و احلام است  
و بیان آن قبل ازین در تقریبات خیالات مقید  
مذکور گشت تکرار جایز نیست **اما** آنها که واقعات  
ایسانو تاثیر دیر نظامی شود نزد اهل کسوف و عوف  
دلالت میکند بر قوت نفس ناحقه ایسان از آن جهت